

## متن پرسش

سلام خدمت استاد محترم بنده وقتی مطالب شمارا می خوانم و آن چهره ای که از عالم معنا ترسیم می کنید با آن وصفهای عمیق و بی کران از دریای معارف اهل بیت و معرفت نفسی که شما جلوی چشم مارقرار می دهید وبا این همه بعد که به خودم نگاه می کنم بسیار مأیوس می شوم از خودم چرا راکه روحم را آنقدر با گناه آلوده کرده ام که قدم گذاشتن در این عوالم را برای خودم بسیار بعید می دانم زیرا این معرفتها برای نفوس مستعده ای است که عمری را به پاکی گذران کرده اند و حالا جانیشان را با این معارف بالاتر می برند ولی مثل منی که با وجود دانستن این مطالب ولی عدم توانایی در مقابله بانفس خبیث اماره و شیطان مکاره باید چه کنیم که از این گوهرها نفیس که فقط اسمشان و وصفشان را می شنویم بی نصیب نمایم حقیقت آن است که بنده در دوران جوانی و سرکشی نفس مرتکب گناهان کبیره ای شده ام که ذکر آن خودم و شما را آزار می دهد و هر وقت هم که به یاد ان گناهان می افتم آنقدر از خودم بدم می آید که قابل وصف نیست خصوصا بعد از سالهاکه گذشته و فکر می کردم از نفس در این مورد ازاد شده ام و صفای قلبی پیدا کرده ام اما باز می بینم که مرا دوباره به گناه وا می دارد و دست از سرم بر نمی دارد و هر دفعه به طور قاطع تصمیم می گیرم که توبه کرده وگناه نکند و مدتی را در این تصمیم می مانم اما نمیدانم که چه می شود که دوباره راه گناه باز می شود و من بدبخت را بدبخت ترمی کند و در موقع انجام گناه نمی فهمم هر چند که بلافاصله بعدش متوجه خطا و خسارت می شوم ولی پشیمانی چه فایده که دوباره دانسته خودم را بیچاره کردم ترسم از این است که نتوانم توبه حقیقی کنم و این خوبیهای بد در نهانخانه دل و جانم مانده باشد و با این حال وارد محشر شوم نمی دانم که با این وصفی از من ایا راهی هست که من هم با امام زمان که حی و حاضر به کارها ی من است رابطه برقرار کنم چرا که اگر امام زمان با خوبانی که پاکند در ارتباط است هر چند که من هم فرضا از الان خوب شوم آیا می توانم موفق به درک این معارف شوم یا اینکه این گذشته و حال مرا از گشودن در این معارف محروم میکند نمی دانم چه بگویم که با اینکه خیلی چیزها را عقل نظریم می داند ولی عقل عملیم بسیار ضعیف و گرفتار خاک و زیر خاک است به طور مشخص به دو سوالم جواب دهید: ۱-چگونه از دست این نفس اماره در خصوص یک خصلت بدی که در جانم تارتتیده است آزاد شوم؟ ۲-برفرض توفیق الهی و ترک و معاصی ایا راه برای کسب حقیقی معارف و قدم گذاشتن در راه اولیا الهی باز است یا اینکه این معاصی قلب را از بین برده وهرچند که بکوشم به ان نتیجه ای پاکان می رسند نمی رسم و واقعا این قلب مجروح امید داشته باشد که نزدیک قلب امام زمانش بشود؟ در مناجات شبستان ودر قنوت نماز عشقتان این بنده عاصی را دعا کرده و از

خدا برایش توفیق راه یابی به درگاهش نمایید و اگر هم یادآوری این بنده عاصی در کنار ذکر ۴۰ خوب نماز شبستان شمارا آزار می دهد لااقل بعد نماز دعایم کنید

#### متن پاسخ

اسمه تعالی علیک السلام به گفته‌ی مولوی: تو مگو ما را بدان شه راه نیست با کریمان کارها دشوار نیست حضرت استاد حسن زاده آملی «حفظه الله تعالی» می فرمودند: باید گدای سمجی باشید. آری! گناه می آید ولی عزم ترک گناه، شدت آن را کم می کند تا این شاء الله صورت ذهنی آن، آن قدر ضعیف گردد که دیگر توان تحت تأثیر قراردادن انسان را نداشته باشد، و در آن وقت است که چون یک سردار پیروز که دشمن خود را شکست داده، فتوحات قلبی ظهور می کند. از نماز و روزه کمک بگیرید، حضرت صاحب الامر «عجل الله تعالی فرجه» عاشق کمک به ما هستند، زیارت ائمه‌ی معصومین «علیهم السلام» موجب تجلی عصمت آن بزرگواران بر جان و قلب ما می شود. موفق باشید